

## جاذبه های ژئوپولیتیک ایران، رفتار روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی

### جواد اطاعت

روابط و چگونگی تعامل بین واحدهای مستقل سیاسی دولت ملی، از دید محققین سیاسی و دیگر نظریه پردازان کلان نگر، تحت تأثیر نظم و نظام بین الملل قابل توضیح خواهد بود. برای دریافت بهتر نوع روابط بین کشورها، ابتدا باید تحلیل صحیحی از ماهیت نظام در زمان و مکان معینی ارائه داد؛ چرا که بررسی رفتار انفرادی دولتها، بدون شناخت نظم حاکم بر جامعه بین المللی ممکن نیست؛ بویژه که نظام بین الملل برعکس نظامهای داخلی سیاسی، فاقد یک سازوکار تنظیم کننده و اقتدار حاکم است. بعضی از محققین روابط بین الملل از جمله «ییتس» (Yeats) تعبیری ارائه کرده اند که، در روابط بین المللی، امور از هم جدا می شود، مرکزی وجود ندارد و جهان به سوی هرج و مرج پیش می رود. این دیدگاه افراطی به نظر می رسد. اگرچه یک اقتدار حقوقی فوقانی، حاکم بر نظم جهانی نیست و دولتها ملزم به پیروی از یک حاکمیت برتر نیستند، ولی سازوکارهای خود تنظیم کننده سیاسی، وجود دارد که در قالب نوع نظام جهانی تجلی می یابد. در آن قالب کلان، رفتار دولتها به عنوان بازیگران عرصه روابط بین الملل قابل تبیین می باشد. به علت پویایی نظام بین الملل، نظم و نسق حاکم، از ثبات برخوردار نبوده و در اثر تحولات جهانی، وقوع جنگها، پیشرفتهای تکنولوژیکی، و مهمتر از همه، افزایش آگاهیهای فرهنگی و غیره، نظم بین الملل نیز دستخوش تغییر و دگرگونی قرار می گیرد.

بر این اساس، در سده اخیر قبل از فروپاشی شوروی، به طور مشخص شاهد دو نوع نظام بین المللی بوده ایم. دوره توازن قوا، که از سده پیشین به قرن جاری امتداد یافته

۱. قواعد بازی در سیاست بین الملل. ریموند کوهن، ترجمه مصطفی شیشه چی زاده. تهران: نشر سفیر ۱۳۷۰، ص ۲۵.

بود، و نظام دو قطبی که پس از جنگ دوم جهانی جایگزین آن گردید. در دوره موازنه قوا روسیه تزاری در رقابت با استعمار پیر (انگلیس) سیاستهای مداخله گرانه خود را در ایران تعقیب نمود. اما این مسئله همیشه هم این گونه نبود، و متأثر از شرایط بین المللی، گهگاهی این رقابت جای خود را به معاضدت و همکاری می داد. قرارداد ۱۹۰۷، کنوانسیون سری ۱۹۱۵ و اشغال ایران در جنگ اول و دوم جهانی، نمونه هایی از این همکاری است. پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی نظام توازن قوا و جایگزینی نظام دو قطبی، رقابت ابرقدرتها در ایران با بحران آذربایجان به گونه ای دیگر جلوه گر شد و مسئله ایران عملاً با جنگ سرد بین دو بلوک قدرت، پیوند خورد. در این گفتار مختصر سیر تاریخی رفتار روسیه تزاری، و سپس خلف آن، اتحاد جماهیر شوروی در ایران، در این دو دوره، از منظر خوانندگان خواهد گذشت.

### دوران موازنه قوا

کشور روسیه، بخاطر همجواری با ایران، نسبت به سایر قدرتهای اروپایی از موقعیت ممتازی برخوردار بود. به همین جهت، روابط ایران و روسیه، از گذشته، کمتر براساس یک روابط رسمی دیپلماتیک استوار بوده؛ بلکه این مناسبات اکثراً بر مبنای روابط اقتصادی و بازرگانی بین نواحی شمالی ایران، با این کشور قرار داشته است، و «اولین تماسهای رسمی در زمان «آلکسی میخالویچ» و بعدها در زمان «پتر کبیر» و جانشینانش در دوران صفویه انجام گرفت<sup>۱</sup>». سیاست خارجی کشور روسیه از قرن شانزده میلادی به بعد، بر مبنای گسترش ارضی همه جانبه استوار بود. در قرن نوزدهم، کشور ایران نیز از این سیاست در امان نماند، و براساس جنگهای اول و دوم ایران و روس، قراردادهای گلستان در ۱۸۱۳ ه.ش/ ۱۸۱۳ م و ترکمانچای در ۱۲۰۷ ه.ش/ ۱۸۲۸ م به ایران تحمیل شد و بخشهای وسیعی از آن ضمیمه خاک روسیه گردید. اگر چه رؤیای پتر کبیر، مبنی بر دستیابی به آبهای گرم تحقق نیافت، اما این رویدادها سرآغازی برای نفوذ هرچه بیشتر این کشور در ایران گردید<sup>۲</sup>. علاوه بر امتیاز

۱. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار. غلامرضا وهرام، تهران: انتشارات معین، ۱۳۶۷، ص ۲۰۹.  
 ۲. پتر کبیر در وصیتنامه ای که اصالت آن مورد تردید است، در بند نهم آن می گوید: برای نزدیک شدن به قسطنطنیه و هند، باید به جنگهای دائمی در ترکیه و ایران مبادرت نمود؛ چرا که هر کس این مناطق در دست داشته باشد، مالک تمام جهان خواهد بود. تأسیس کارگاههای کشتی سازی در اطراف دریای سیاه و تصرف تدریجی آن، و همچنین با تضعیف ایران، باید تا خلیج فارس نفوذ کرد و از آنجا با روابط تجاری تا هندوستان پیشروی نمود که انبار گنجینه های جهان است. در این صورت است که روسیه از طلای انگلیس بی نیاز خواهد شد. رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان. یو کارلو ترتریو، ترجمه عباس آفرین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، صص ۲۳-۲۲.

حق قضاوت کنسولی، که در فصل دهم معاهده ترکمانچای گنجانده شد، در زمان ناصرالدین شاه، روسها حدود پنجاه امتیاز بدست می‌آورند که، امتیاز بانک استقراضی، کشتیرانی در دریای خزر، معادن، حمل و نقل و ایجاد راههای شوسه و تشکیل بریگاد قزاق، از آن جمله‌اند. روسیه، به طور کلی با کلیه امکانات تلاش می‌نمود با حفظ برتری اقتصادی در ایران، نفوذ سیاسی خود را نیز گسترش داده، تا به قلب تجارت و ثروتهای عظیم خلیج فارس و اقیانوس هند دست یابد.<sup>۱</sup> از ابتدای سده کنونی، تا پایان جنگ دوم جهانی، یعنی در نیمه اول قرن حاضر، علائق روسیه در دو مرحله قبل و بعد از انقلاب اکتبر، قابل بحث و بررسی است. در این مقطع زمانی، بعد از اروپا که مهمترین منطقه ژئوپولیتیک در اجرای اهداف سیاست خارجی روسیه تزاری و شوروی سوسیالیستی قرار داشت، کشورهای آسیایی در مرتبه دوم اهمیت بودند؛ اما کشور ایران، به لحاظ همسایگی با آن کشور و امتیازات گسترده‌ای که تزارها از ایران اخذ کرده بودند، دارای موقعیت خاص بود. مهمتر اینکه، این کشور محل رقابت دو قدرت روسیه و انگلستان نیز بود و هر کدام از قدرتهای مزبور تلاش می‌کردند امتیازات بیشتری تحصیل کنند تا از رقیب خود عقب نمانند. از طرفی دیگر، روسها ایران را دروازه هندوستان تلقی می‌کردند. چنانکه «اسکوبلف» در ۱۸۷۷ م می‌نویسد:

«هرچه روسیه در آسیای مرکزی قویتر شود، به همان میزان انگلستان در هند ضعیف‌تر، و در اروپا سهل الوصول‌تر خواهد گردید»<sup>۲</sup>.

۱. ای سنسیو معتقد است، اگرچه روسیه تزاری هیچگاه نقشه حمله به هندوستان را جدی تلقی نمی‌کرده است، اما این مسئله ابزاری برای اعمال فشار بر انگلستان، جهت دریافت امتیازات در سایر نقاط جهان، بخصوص در اروپا بوده است.<sup>۳</sup>

رویداد انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ ه.ش / ۱۹۰۶ م روزنه امیدی در جهت رهایی ایران از چنگال استعمارگران تلقی شد، اما ویژگی ژئوپولیتیک ایران اجازه نمی‌داد تحولات این کشور بدون عنایت به سطح کلان بین‌الملل، شکل گیرد. این رویداد و

۱. رقابت روس و انگلیس در ایران، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. همان.

۳. اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم. همایون الهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵، صص ۴۵.

خطر رایش دوم برای نفوذ در ایران، باعث گردید رقبای دیرین انگلستان و روسیه، دست اتحاد به یکدیگر داده و با قرارداد ۱۲۸۶ هـ. ش/ ۱۹۰۷ م حوزه نفوذ یکدیگر را به رسمیت بشناسند<sup>۱</sup>. در این مرحله، کشورهای روسیه و انگلستان بدون واهمه از یکدیگر، مطامع استعماری خود را دنبال نمودند. چنانکه برخی از محققین بمباران مجلس در ۲ تیرماه ۱۲۸۷ هـ. ش/ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م به دست «کننل لیاخوف» روسی و قزاقهای او، و کشتار عده‌ای از آزادیخواهان، و حاکمیت استبداد صغیر، همچنین حمله قوای روسیه در اردیبهشت ۱۲۸۸ هـ. ش/ آوریل ۱۹۰۹ م و اشغال آذربایجان را نتیجه مستقیم این قرارداد بحساب می‌آورند<sup>۲</sup> با قرارداد ۱۹۰۷ م نقش سنتی ایران، که حائل بین روسیه و انگلستان بود، از میان رفت و از آن به بعد با تشریک مساعی قدرتهای مزبور، آزادی عمل دولت ایران با محدودیت زیادی مواجه گردید<sup>۳</sup>.

در این سالها بود که دولت ایران برای رهایی از این وضعیت، بسوی ایالات متحده روی آورد و با استخدام «مورگان شوستر»، تصمیم داشت تا حدودی از این فشار بکاهد. اما دولت روسیه با اشغال نظامی ایران، در مقابل این عمل مقاومت نشان داد و منجر به اخراج شوستر گردید<sup>۴</sup>. یک سال بعد از جنگ جهانی اول نیز، بر اساس خواسته

۱. این قرارداد، در پترزبورگ میان انگلستان و روسیه به امضا رسید و براساس ماده اول آن دولت بریتانیا تعهد می‌کند که در ماوراء خطی که از قصر شیرین تا اصفهان، ویزد، و خاف، ادامه می‌یابد، و در نهایت به نقطه واقع در محل تلاقی خطوط سرحدی روس و افغان می‌رسد، تقاضای هیچگونه امتیاز سیاسی و تجاری، از قبیل امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راه شوسه، حمل و نقل، بیمه، و غیره، برای خود، اتباع خود، یا اتباع دولتی، ثالث ننماید، و در عین حال با گرفته شدن این گونه امتیازات از طرف دولت روسیه در منطقه مذکور، هیچ مخالفتی، مستقیم و یا غیر مستقیم، ابراز ندارد. متقابلاً در ماده دوم، دولت روسیه به نوبه خود تعهد می‌کند که در منطقه واقع در ماوراء خطی که از سرحد افغانستان یعنی از قاز یک (واقع در شرق بیرجند) و بیرجند و کرمان امتداد می‌یابد و به بندرعباس ختم می‌گردد، تقاضای هیچ گونه امتیاز سیاسی و تجاری، از قبیل راه آهن، بانک، تلگراف، راه شوسه، حمل و نقل، بیمه، و غیره، برای خود، اتباع خود، یا اتباع دولتی ثالث، ننماید، و در قبال گرفته شدن این گونه امتیازات، از طرف دولت انگلیس در منطقه مزبور، هیچ گونه مخالفتی مستقیم یا غیر مستقیم، نشان ندهد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی. جواد شیخ الاسلامی، اطلاعات میاسی-اقتصادی، شماره ۵۴ و ۵۳. صص ۶۷ و ۶۸.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹. ج اول صص ۳۳۴ و ۳۳۲.

3. R.K. Ramazani. The foreign policy of Iran Developing Nation In World Af-

fairs. 1500 \_ 1941. Op. Cit, P. 302.

۴. تحلیل سیاست خارجی ایران از آغاز تا امروز. حافظ فرمانفرمایان. ترجمه اسماعیل شاکری. تهران: مجموعه عالی بین المللی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ص، ۴۸.

«تزار نیکولای دوم» که گفته بود: «اگر ایران به یک باره از میان برداشته شود، به صلاح هر دو دولت انگلستان و روسیه است»<sup>۱</sup> کنوانسیون سرّی مارس ۱۹۱۵ مبنی بر تقسیم کامل ایران صورت تحقق بخود گرفت و کشور ایران بطور کامل بین قدرتهای روس و انگلستان تقسیم گردید.

پس از پیروزی بلشویکها در اکتبر ۱۹۱۷ سیاست این کشور انقلابی، بکلی دگرگون شد و تمامی امتیازاتی که برای تزارها در ایران مطرح بود، به نوعی دیگر جلوه گر شد. رهبران انقلابی، به حکومت جهانی سوسیالیسم و رهایی خلقها از یوغ استعمارگران می‌اندیشیدند و بر این اساس، کشور ایران به عنوان سکوی پرش انقلاب در نظر گرفته شد. «تروپاتوفسکی» در سال ۱۹۱۸ م دربارهٔ اهمیت ایران، در این زمینه، چنین نوشت:

موقعیت ایران در ایجاد انترناسیونال شرق، بسیار شایان توجه است ... ایران دری است که برای استیلا یافتن بر دروازهٔ انقلاب شرق، یعنی هندوستان، باید از آن عبور کرد. ما باید انقلاب را در ایران برانگیزانیم ... قیام [بلشویکی] ایران، نشانهٔ یک رشته انقلابی خواهد بود که در سراسر آسیا و قسمتی از افریقا منتشر خواهد شد. انقلاب ایران، مفتاح تمامی شرق است ... ایران کانال سوئز انقلاب است و این کشور برای توفیق انقلاب شرق، نخستین کشوری است که باید توسط شورویها تسخیر شود. این مفتاح گرانه‌های قیام شرق، باید به هر قیمتی که شده در دست بلشویسم باشد ... ایران باید مال ما شود، ایران باید به انقلاب [ما] تعلق یابد.<sup>۲</sup>

این بینش باعث گردید و بلشویکها تمامی امتیازاتی که در زمان روسیه تزاری از ایران اخذ گردیده بود، باطل اعلام نمایند. اولین اقدام جمهوری سوسیالیستی شوروی، لغو قرار داد ۱۹۰۷ م بود که در این رابطه «تروتسکی» (کمیسر خارجی جمهوری شوروی) در قسمتی از نامه رسمی خود در تاریخ چهاردهم ژانویه ۱۹۱۸ به سفارت ایران در پترزبورگ اظهار داشت: «معاهدهٔ ۱۹۰۷ نظر به اینکه علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده، بکلی ملغی و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود»<sup>۳</sup>. متعاقب آن «چیچرین» (کمیسر

۱. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی. جواد شیخ‌الاسلامی، ص ۷.

۲. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز. محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵.

۳. تاریخ روابط خارجی ایران، دوره اول مشروطه. علی‌اکبر ولایتی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۴۶ برگرفته از اسناد وزارت امور خارجه.

جدید خارجی شوروی) در بیست و ششم ژوئن ۱۹۱۹ نامه ای برای ایران نوشت و امتیازات تحصیلی روسیه تزاری را به صورت یکجا لغو و باطل اعلام داشت. در اینجا به لحاظ اهمیت امتیازات روسیه تزاری در ایران، ترجمه نامه مزبور ارائه می شود:

- ۱- تمامی بدهی های ایران، مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می شود.
- ۲- روسیه از این به بعد قطعاً به مداخله خود در عواید ایران، از قبیل گمرکات و تلگرافخانه و مالیاتها و امثال آن، خاتمه می دهد.
- ۳- دریای خزر، پس از پاک شدن از سفاین قطاع الطریق امپریالیسم انگلیس، برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران، آزاد اعلام خواهد شد.
- ۴- سرحدات روسیه شوروی با ایران، مطابق اراده سکنه سرحدی معین خواهد شد.
- ۵- تمام امتیازات دولتی روس و امتیازات خصوصی، باطل و از درجه اعتبار ساقط است.
- ۶- بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات ارضی و شعبات خود در ایران، ملک ایران اعلام می شود.
- ۷- خط تلگراف بین مشهد و سیستان، با تلگراف حوزه استرآباد، راه شوسه انزلی تهران با تمام راههای شوسه و ابنیه متعلق به آنها که در دوره جنگ از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به وسیله قشون روس در زمان توقف آنها در ایران ساخته شده اند، بندر انزلی و تمام ساختمانهای مرتبط با آن با تمام اثاثیه از قبیل کارخانه چراغ برق، ادوات دیگر و امثال آن، راه آهن جلفا- تبریز با تمام ادوات و اثاثیه و ابنیه راه آهن و امثال آن. همچنین تمام ادارات پستی، خطوط تلگرافی و تلفن روسیه در ایران، برای استفاده و مالکیت ملت مستقل ایران واگذار می شود. تأدیه حقوق مستخدمین و کارگران مؤسسات مذکور، بر عهده ملت ایران است.
- ۸- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسولها، کلاً باطل می شود.
- ۹- مسیون روحانی ارومیه منحل می شود.
- ۱۰- تمام اتباع روسیه متوطن در ایران، مکلف هستند کلیه عوارض و مالیاتها را بالسویه با اهالی تأدیه نمایند. در صورتی که این عوارض و مالیاتها مطابق قانون و برای رفع احتیاجات ملت برقرار شده باشد.
- ۱۱- دولت روسیه حاضر است که با دولت ایران مشترکاً، مسئله راجع به حق مالکیت اراضی مزروعی اتباع روس را در ایران، طریق اجاره کردن، تأدیه مالیات و امثال آن را تحت

شور قرار داده، با مراعات محفوظ ماندن منافع ملت ایران و روس حل نماید.

۱۲- سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال التجاره، باز می شود.

۱۳- به ایران اجازه ترانزیت مال التجاره از روسیه داده می شود، که از هر جا بخواهد و

هر چه بخواهد حمل نماید.

۱۴- دولت روسیه از هر نوع مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرف نظر

می نماید.

۱۵- دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاریها رضایت می دهد.

۱۶- به ایران حق داده می شود که در کلیه شهرها و بخشهای روسیه شوروی و همچنین

در ترکستان و ماورای دریای خزر و در بخارا و خیوه، متحد با روسیه، کنسولهای خود را تعیین

نماید.<sup>۱</sup>

امتیازات الغا شده در نامه چیچرین، عمق علائق و منافع روسها را در ایران نشان می دهد. اگرچه موقعیت ژئوپولیتیک ایران با روسیه شوروی، اقتضا می کرد که از اقدامات رهبران انقلابی شوروی در مورد ایران، استقبال شایانی بعمل آید؛ لکن به واسطه نفوذ انگلستان و عدم آگاهی مسئولین وقت، ایران نتوانست از این فرصت بخوبی استفاده کند. برعکس، در این مقطع زمانی «وثوق الدوله» نخست وزیر ایران طی سال ۱۹۱۹م مذاکراتی با «کاکس»، نماینده انگلیس انجام داد که منجر به قرارداد معروف «کاکس- وثوق الدوله» شد. مفاد قرارداد، به نحوی بود که در صورت تصویب، ایران به طور رسمی تحت الحمايه انگلستان می گردید. رویه سیاستگذاران ایرانی، نه تنها بهبود روابط با روسیه شوروی را بدنبال نداشت، بلکه سیاست ضد شوروی وثوق الدوله، باعث شد که روابط نزدیکی بین قوای نظامی انگلیس با ضد انقلابیون روسی، که انزلی را پایگاه توطئه علیه قفقاز قرار داده بودند، فراهم آید و از طریق ژنرال «دنیکن» (سردار سلطنت طلب روس) که کشتیهای جنگی تزاری را با خود به انزلی آورده بود، در ایران پناه دهد<sup>۲</sup> این رفتار باعث اشغال بخشهایی از سرزمین شمال ایران، از جانب ارتش سرخ گردید و جریانات گیلان را بدنبال داشت. با سقوط «میرزا حسن خان وثوق الدوله» و نخست وزیری «میرزا حسن خان مشیرالدوله» یخهای

۱. همان. صص، ۵۶ و ۵۷.

۲. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی. ص ۹.

روابط بین دو کشور آب شد و اقدامات مشیرالدوله منجر به عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م ایران و شوروی گردید، که به طور کلی، به جز ماده پنجم و ششم این قرارداد، برای ایران امتیازات ویژه ای را دربرداشت<sup>۱</sup>. البته حسن رفتار شوروی در سالهای اولیه انقلاب بلشویکی را، می توان نوعی دیپلماسی جدید برای صدور انقلاب به حساب آورد. «چرا که در کنفرانس باکو در سال ۱۹۲۰ ایران به عنوان کانال سوئز انقلاب نامیده شد و اعلام گردید که تلاشهای رهایی بخش انقلابی می بایست در ایران پا گرفته و سپس همه کشورهای کرانه خلیج فارس و هندوستان نیز در برگیرند»<sup>۲</sup>.

پس از کودتای سوم اسفند و روی کار آمدن رضاخان، بنا به گفته «لنزوسکی»، دو دیدگاه در شوروی در مورد حکومت جدید ایران ابراز می شد. عده ای بر این عقیده بودند که، رضاخان از جانب استعمار انگلیس به قدرت رسیده و نمایانگر سلطه فئودالیسم می باشد. گروه دیگر، حکومت جدید را مظهر دگرگونی اجتماعی دانسته و معتقد بودند که این حکومت ایران را از دوره نیمه فئودالی به نیمه بورژوازی رهنمون خواهد شد که گذاری به سوی سوسیالیسم خواهد بود. پس از رقابت «تروتسکی» و «استالین» مکتب دوم فائق آمد و سیاست شوروی بر مبنای تقویت وضع موجود ایران

۱. ماده پنجم - طرفین معظمین متعاهدتین تقبل می نمایند که:

۱- از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروهها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبور، مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با روسیه باشد در خاک خود، ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نقرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود، ممانعت نمایند.

۲- به کلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات، که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد، نباید اجازه داده شود که به خاک هر یک از طرفین معظمین متعاهدتین، تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود، وارد نموده و یا عبور دهند.

۳- با تمام وسائلی که به آن دسترسی باشد، از توقف قشون و یا قواء مسلحه مملکت ثالث دیگری، در صورتی که احتمال برود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود، باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نمایند.

ماده ششم - طرفین معظمین متعاهدتین، موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه، سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند، یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند، و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحاد شوروی روسیه و با متحدین آن را تهدید نماید، و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی، خودش نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید، تا اینکه برای دفاع از خود، اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه، متعهد است که پس از رفع خطر، بلادرنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید. عهدنامه مودت ایران و شوروی. بهرام نوازنی، تهران: نشر همراه، ۱۳۶۹.

۲. اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم. ص، ۲۲.



قرار گرفت<sup>۱</sup>. وقایع بعدی در روسیه و پراگماتیسم استالینی باعث گردید جنبه های ایدئولوژیکی و عقیدتی که در اوائل حکومت شوراهای مبنای سیاست خارجی این کشور قرار داشت به منافع اقتصادی تبدیل گردد؛ اما این مسئله تا جنگ جهانی دوّم ادامه داشت و در اثنای جنگ با اتفاق بین سوسیالیست شرق و امپریالیسم غرب متفقاً کشور ایران را به اشغال خود درآوردند<sup>۲</sup>.

در یک ارزیابی کلی چنین می توان اظهار نمود که اگر در زمان روسیه تزاری موقعیت ژئوپولیتیک ایران بیشتر برای منافع اقتصادی مدنظر بود، در ابتدای حکومت شوراهای، این موقعیت برای گسترش افکار انقلابی مدنظر قرار گرفت. اما پس از مدتی روسیه شوروی در مناسبات خود با ایران، سیاستی را تعقیب کرد که می توان آن را تلفیقی از اصول قدیمی تزاری با شیوه های جدید تعریف نمود.

در یک جمع بندی از آثار علائق ژئوپولیتیک روسیه تزاری و شوروی سوسیالیستی در برخورد با ایران در دوره توازن قوا، می توان به همسایگی ایران با این کشور، قرار گرفتن ایران در حاشیه آبهای گرم جنوب و نقش ارتباط دهنده آن بین قدرتهای بحری و بری، همچنین نقش حائلی که ایران بین دو قدرت روسیه و انگلیس بازی می کرد و منافع اقتصادی که روسها در ایران تحصیل کرده بودند، اشاره نمود. مجموعه این عوامل باعث شد ایران به طور دائم با همسایه شمالی خود در تعامل باشد.

### دوران دو قطبی

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اگرچه در جنگ دوّم شدیدترین ضربات را متحمل گردید و مزارع، کارخانجات و امکاناتش آسیب دیده و ده درصد از جمعیت خود را از دست داد، ولی در نتیجه پیروزی که عاید این کشور شد، به قدرتی بیش از گذشته دست یافت<sup>۳</sup>. با افول قدرتهای اروپایی، توازن قوا با شکست کامل مواجه شد و با سلطه شوروی بر اروپای مرکزی و گسترش ایدئولوژی سوسیالیستی، دولت شوروی

۱. رقابت روسیه و غرب در ایران. جرج لنزوسکی، ترجمه اسماعیل رائین. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۳، ص ۱۲۳.  
 ۲. جهت اطلاع رجوع شود به: بیطرفی ایران در جنگ دوم جهانی، جواد اطاعت. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۹۶ و ۹۵.  
 ۳. بحرانهای قرن بیستم. پیررونون، ترجمه احمد میرفندرسکی. جلد دوم. تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۷، ص ۴۶۷.

حاکمیت خود را بر «هارتلند مکیندر» کامل نمود و به عنوان قدرت برّی، به مثابه طلایه دار نظام سوسیالیستی رقابت فشرده‌ای را بر سر تقسیم مناطق نفوذ با دنیای سرمایه‌داری به سرکردگی آمریکا آغاز نمود. آنچه از خاکسترهای جنگ جهانی دوم رویداد، نظام دوقطبی به رهبری ابرقدرت‌های شرق و غرب بود که نظام جهانی را به سمت نوینی سوق داد و باعث تقسیم جهان به دو قطب سوسیالیستی و سرمایه‌داری گردید. اگرچه جنگ جهانی پایان یافته بود، اما جنگی از نوعی دیگر بین بلوک‌های تازه به قدرت رسیده شروع شد. در این مقطع زمانی نیز ویژگی‌های ایران از قبیل موقعیت جغرافیایی، منابع معدنی و مسائل اقتصادی، سیاسی برای شوروی حائز اهمیت بود.

عامل جغرافیایی از عوامل ثابتی است که یک سلسله سیاست‌هایی را بر استراتژی منطقه‌ای اتحاد جماهیر شوروی دیکته می‌کرد. این کشور دارای تنگناهایی از جمله عدم دسترسی به آب‌های گرم بود. این موضوع از مهمترین مسائلی است که سیاست خارجی ابرقدرت شرق را تحت تأثیر خود قرار داده بود. خلیج فارس و اقیانوس هند یک منطقه مورد علاقه شوروی بود؛ چرا که امکان برقراری رابطه بین نیروهای بری و بحری را فراهم می‌کرد و به قدرت دارنده این موقعیت برتری ممتازی می‌بخشید. قبل از تأسیس شوروی، در قرن نوزدهم اگرچه روسها مرزهای خود را گسترش دادند، لکن با وجود کشورهایی چون ایران، افغانستان و پاکستان معضل استراتژیکی به قوت خود باقی ماند. پس از انقلاب اکتبر نیز رهبران شوروی تلاش نمودند در مواردی این مشکل را مرتفع سازند. اصرار روسها بر ادامه اشغال آذربایجان پس از جنگ جهانی دوم از طرف برخی از سیاستمداران در این راستا تلقی گردیده است. «ریچارد نیکسون» در این مورد معتقد است، هنوز غرش توپ‌های جنگ دوم پایان نیافته بود که استالین تهاجم خود را به سوی خلیج فارس آغاز نمود<sup>۱</sup>. دولت ایران در موارد متعددی به این مسئله اعتراض نمود و خواهان خروج نیروهای شوروی از ایران شد؛ اما دولت شوروی به این موضوع وقعی ننهاد و بر ادامه اشغال ایران اصرار ورزید<sup>۲</sup>. اهمیت ژئواستراتژی این مسئله برای قدرت رقیب (ایالات متحده آمریکا) باعث گردید این کشور نسبت به این قضیه از خود واکنش

۱. جنگ حقیقی. ریچارد نیکسون، ترجمه جعفر ثقه الاسلامی. تهران: انتشارات نوین، ۱۳۶۲، ص، ۱۲۵.

2. K. Ramzani, Op. Cit, Pp. 111 – 112.

نشان دهد. آنچه در این جریان با اهمیت تلقی گردید، اولتیماتوم «ترومن» رئیس جمهور آمریکا به استالین بود. ترومن بعدها در این مورد نوشت: زمانی که روسها از تخلیه خاک ایران خودداری نمودند، من شخصاً مسئله را رسیدگی کردم تا حتماً به اطلاع استالین برسد که به ره‌سای نظامیان فرمان داده‌ام تا برای حرکت آماده باشند. سپس استالین متأثر از این مسئله قوای خود را از خاک ایران بیرون برد<sup>۱</sup>. روزنامه کیهان نیز در این باره نوشت «تهدید ترومن مبنی بر اقدام به حمله اتمی نظیر آنچه در ژاپن اتفاق افتاد، استالین را وادار به بیرون بردن نیروهایش از آذربایجان کرد<sup>۲</sup>». در اسناد سفارت آمریکا نیز این مسئله تصریح گردیده است که تنها فشار آمریکا و سازمان ملل و سیاست ایرانیها بود که نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از ایران بیرون کرد<sup>۳</sup>. بدین ترتیب سیاست خارجی ایران در عمل با مسائل دو بلوک قدرت پیوند خورد.

مسئله دیگری که از لحاظ جغرافیایی قابل بررسی است، مسئله امنیت مرزهای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی است. روسیه و سپس خلف آن شوروی سابق همیشه سیاستهای تهاجمی مداخلة گرایانه خود را در این راستا توجیه نموده است. نزدیکی جغرافیایی این کشور باعث شده روسها خود را نسبت به آمریکائیا ذینفع بدانند و این در حالی است که آمریکا به عنوان یک تازه وارد و از جنبه ژئوپولیتیک به عنوان کسی که از دور بر منطقه نظارت دارد، خود را قویتر از شوروی و در موقعیت برتری قرار داده است<sup>۴</sup>. شوروی، نگران حضور غرب بویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه و ایران بود و این نگرانی را نیز پنهان نمی داشت. برژنف در سخنرانی خود در پارلمان هندوستان در دهلی نو در دهم دسامبر ۱۹۸۰ به این مسئله اشاره دارد. وی عنوان می کند: «قدرتهایی که هزاران کیلومتر از منطقه دور هستند، ناوگان نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند متمرکز کرده و پایگاههای نظامی خود را گسترش داده اند. آنان این اقدامها را به استناد تهدید شوروی توجیه می کنند در حالیکه ما قصد تجاوز به نفت خاورمیانه و یا راههای عرضه آن را نداریم<sup>۵</sup>». دولت شوروی نسبت به

۱. جنگ واقعی و صلح واقعی. ریچارد نیکسون، صص. ۵-۱۳۴.

۲. روزنامه کیهان ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۲.

۳. اسناد لانه جاسوسی. دانشجویان پرو خط امام. جلد هشتم. صص. ۱۳۹.

۴. منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس. پائول جابر و دیگران. ترجمه مجید قهرمانی. تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۰. صص. ۷۳.

۵. علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس. بیژن اسدی، صص. ۱۶۸.

نفوذ آمریکا در ایران حساسیت بیشتری از خود نشان می‌داد؛ به گونه‌ای که سردی روابط شوروی با ایران نیز از این زاویه قابل بررسی است.

آنها اذعان می‌داشتند که فعالیت نیروهای نظامی و غیرنظامی خاک ایران را مبدل به پایگاه نظامی آمریکا کرده است. آنها تقاضا داشتند که دولت ایران به این گونه فعالیتها که برای امنیت مرزهای شوروی مخاطراتی در بر دارد پایان بخشد<sup>۱</sup>. روسها به دلایل امنیتی و دفاعی تلاش داشتند، نوعی حاکمیت محدود را روی کشورهای پیرامون خود اعمال کنند و یا حداقل کشورهای همجوار را بی طرف نگاه دارند که رقیب قدرتمند آنها نتواند از این کشورها به عنوان پایگاهی علیه شوروی استفاده کند. همان گونه که قبلاً نیز بیان گردید، مواد ۵ و ۶ عهدنامه ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی نیز حاکی از این مسئله است که مداخله شوروی در ایران را در صورت فعالیت نیروهای دشمن در آن کشور مجاز می‌دانند<sup>۲</sup>.

غیر از مسائل امنیتی-استراتژیک، مسئله دیگری که قابل طرح و بررسی است، علائق سیاسی-ایدئولوژیکی روسها در ایران است. دیپلماسی شوروی اگرچه از بدو پیروزی انقلاب اکتبر تا فروپاشی آن تحولاتی چون انقلاب جهانی سوسیالیسم، نظریه سوسیالیسم در یک کشور، اجتناب ناپذیری جنگ بین بلوکهای قدرت و همزیستی مسالمت آمیز را به خود دیده است، لکن همیشه با شدت و ضعفهایی، به نوعی این اصل اساسی مورد نظر لنین که وظیفه دیپلماسی شوروی مقابله با امپریالیسم و تلاش برای کسب پیروزی است تعقیب شده است و جهان شمولی حکومت پرولتاریایی سیاست خارجی شوروی را تحت تأثیر قرار داده است. لنین می‌گوید: «دیپلماسی شوروی با شناسایی سیاستهای استعماری باید آنها را برای ملتها و دولتها تشریح نمایند و ضمن اساسی تلقی نمودن اقدام علیه استعمار، نسبت به نجات توده‌ها از سلطه استعمارگران کوشش کنند»<sup>۳</sup>.

پس از جنگ جهانی دوم و دوقطبی شدن جهان، شوروی به این تحلیل رسیده بود که جنگ بین دو قطب قدرت اجتناب ناپذیر است. بر این اساس، روسها علاوه بر

1. R.K. Ramazani, OP.Cit,p.177 \_ 80.

۲. منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس. همان ص، ۳۷.

3. Soviet Foreign Policy (Moscow Progress Publisher, 1967). P. 84.

افزایش توان نظامی و همپایگی استراتژیک با ابرقدرت غرب تلاش میکردند کشورهای جهان سومی از جمله کشور ایران را - که در گذشته به لحاظ سیاسی، ایدئولوژیکی کانال سوئز انقلاب نامیده بودند - به سوی خود جذب نمایند. این سیاست باعث گردید علیرغم روابط گسترده ایران با ایالات متحده آمریکا و مشارکت در پیمان بغداد که نگرانی عمیق شوروی را به دنبال داشت، نسبت به گسترش روابط حسنه با ایران اقدام نماید<sup>۱</sup>.

نتیجه این عمل انعقاد موافقتنامه یازده آذر ۱۳۳۳ ه. ش - دوم دسامبر ۱۹۵۴ م و تعیین تکلیف اختلافات مرزی و مطالبه یازده تَن طلای ایران بود؛ اما کشور ایران بجز روابط اقتصادی حاضر به گسترش روابط در سایر زمینه ها نبود. عهدنامه دفاعی ایران و آمریکا که در سال ۱۹۵۹ در ترکیه به امضای سفیر ایران و آمریکا رسید، خشم شورویها را برانگیخت. بویژه که قبل از انعقاد این معاهده، قرار بود عهدنامه عدم تجاوز بین ایران و شوروی منعقد گردد، که بر اثر اختلاف نظر عملی نگردیده بود. «خروشچف» در فوریه ۱۹۵۹ رژیم ایران را مورد حمله قرار داده و گفت، شاه خودش به ما پیشنهاد انعقاد عهدنامه کرد ولی زیر فشار آمریکا و انگلیس و ترکیه آن را نپذیرفت. و اضافه نمود که قرارداد با آمریکا، خاک ایران را مبدل به یک پایگاه نظامی آمریکا خواهد کرد<sup>۲</sup>. دولت ایران به پشتوانه حمایت غرب و ایالات متحده، محتاطانه به خواسته ها و علائق شوروی جواب رد داد. در داخل نیز با سرکوبی مخالفانی که دارای اعتقادات مارکسیستی بودند، و سرکوب حزب توده، در عمل راه را بر نفوذ شوروی بست و خواسته های سیاسی - ایدئولوژیکی شوروی در ایران، جامه عمل بخود نپوشید.

از دیگر مسائل مورد علاقه شوروی در ایران، مسائل اقتصادی و تجاری بود که ریشه در تاریخ روابط ایران و روسیه دارد. مواد خام از جمله نفت مهمترین عامل ژئوپولیتیک بود که قدرتهای غربی را در سده حاضر به سوی منطقه و ایران کشانید. اما اتحاد جماهیر شوروی بواسطه برخورداری از ذخائر عظیم نفت نیاز چندانی به نفت حوزه خلیج فارس نداشت؛ اگرچه روسها در مقاطع زمانی مختلف خواهان برخورداری

۱. در رابطه با اعتراضات شوروی نسبت به ایران و آمریکا رجوع کنید به:

R. K. Ramzani, Op. Cit, PP. 170-7.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران. جلد دوم. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ص، ۱۵۶.

از امتیازات نفت شمال بودند، ولی تنها به اعتراض نسبت به واگذاری آن به دیگر قدرتهای رقیب خلاصه شد. زمانی که به ازای تخلیه ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم، قوام با واگذاری امتیاز نفت شمال به روسها موافقت کرده بود، به علت غیرقانونی بودن این عمل جنبه اجرا نیافت.<sup>۱</sup> اما در زمینه های اقتصادی و فنی و بازرگانی روابط ایران و شوروی رو به گسترش بود و در سی خرداد ۱۳۲۵ ه.ش / ۲۰ ژوئن ۱۹۶۴ م نخستین موافقتنامه بازرگانی و ترانزیت برای مدت سه سال بین دو کشور امضا شد. در سی ام ژوئیه ۱۹۷۰ نیز موافقت نامه دیگری به مدت پنج سال بین طرفین منعقد شد. همچنین در دوم اکتبر ۱۹۷۲ م یک قرارداد بازرگانی و فنی پانزده ساله به امضای طرفین رسید. همکاری ایران و شوروی بیشتر در زمینه احداث کارخانه ذوب آهن در اصفهان، ماشین سازی در اراک و احداث لوله گاز بود. بدینوسیله گاز ایران به شوروی صادر می گردید. نکته حائز اهمیت این است که، علیرغم گسترش روابط اقتصادی، روابط سیاسی توسعه نیافت. چنانکه روزنامه «پراودا» در این زمینه نوشت: «اگر چه روابط تجاری و اقتصادی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران توسعه یافته است ولی روابط سیاسی دوشادوش روابط یادشده پیشرفت مشابهی نداشته است»<sup>۲</sup>. دکتر مهدوی نیز می گوید، سیاست ایران در مقابل شوروی مبتنی بر همکاری بازرگانی و فنی و مقاومت سیاسی بود. «مقاومت در برابر فشار شوروی به قطع وابستگی ایران به جهان غرب، فشار به قطع رابطه با شرکتهای نفتی غرب و همچنین در برابر گسترش نفوذ شوروی در خلیج فارس»<sup>۳</sup>. ملاحظه می شود که تنها علائق اقتصادی شوروی در ایران صورت تحقق به خود گرفت و در سایر زمینه ها ناکام ماند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ژئوپولیتیک منطقه دچار تحولی اساسی گردید و ایران حافظ منافع غرب، تهدیدی جدی علیه منافع آنها (بویژه آمریکا) به شمار رفت. اگر چه انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیتش با نظام سوسیالیستی نیز در تعارض بود، ولی

۱. در مجلس چهاردهم با تصویب طرحی واگذاری امتیاز نفت ممنوع اعلام شده بود. ماده یک این قانون می گوید: هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها را معاونت می کنند نمی توانند راجع به امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هرکس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد انجام دهد. یا آنکه قراردادی امضا نماید. سیدجلال الدین مدنی. تاریخ میاسی معاصر ایران. جلد اول. ص، ۱۴۴.

۲. علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس. بیژن اسدی. ص، ۱۵۱.

۳. تاریخ روابط خارجی ایران. جلد دوم. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ص ۱۸۸.

شورویها از این واقعه راضی به نظر می‌رسیدند؛ چرا که ایران مستقل برای آنها بهتر از ایران وابسته به بلوک مخالف بود. در این راستا «برژنف» در سخنرانی دوم مارس ۱۹۷۹ از انقلاب اسلامی این‌گونه استقبال نمود:

ما ... پیروزی این انقلاب را که پایان بخش حیات یک رژیم مستبد و ظالم بود تبریک می‌گوئیم و آرزو مندیم که ایران جدید انقلابی موفق و سعادتمند شود و امیدواریم که روابط حسنه همسایگی بین مردمان اتحاد جماهیر شوروی و ایران بر پایه استوار احترام متقابل، حسن نیت و عدم دخالت در امور و مسائل داخلی یکدیگر به نحو مطلوب توسعه یابد<sup>۱</sup>.

همانگونه که انقلاب اکتبر منافی برای ایران به همراه داشت، انقلاب اسلامی نیز باعث گسسته شدن زنجیره استعماری امپریالیسم گردید و به سلطه آمریکا پایان داد که این مسئله برای شوروی بسیار حائز اهمیت بود؛ به گونه‌ای که یکی از مفسران روزنامه پراودا در این رابطه می‌نویسد:

اکنون ... معیارهای بنا نهاده شده در ایران به سلطه امپریالیسم آمریکا خاتمه می‌دهد. پایگاههای نظامی پتاگون برچیده شده است، کشور از پیمان سترو خارج شده است ... تمامی اینها ابعاد انطباق موضعگیریهای سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و ایران در صحنه بین‌الملل را گسترش می‌دهد<sup>۲</sup>.

این موضوع علیرغم خوش باوریهای روسها، باعث هماهنگی انقلاب اسلامی با سیاستهای شوروی نبود و تحول ژئوپولیتیکی ناشی از انقلاب اسلامی، اگرچه به قدرت رقیب اتحاد جماهیر شوروی ضربه اساسی وارد ساخت، مشکلاتی نیز از نوعی دیگر برای شوروی به همراه داشت، چنانکه امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «ما با کمونیزم بین‌المللی به همان اندازه در ستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی آمریکا و با صهیونیسم مبارزه می‌نمائیم، خطری که از ناحیه کمونیست متوجه ماست کمتر از خطر آمریکا نیست<sup>۳</sup>». آشتی ناپذیری اسلام با کمونیزم و سیاست اعلامی رهبر انقلاب اسلامی در رابطه با ابرقدرت شرق و ترس از نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در بین جمهوریهای مسلمان نشین آسیای مرکزی، نگرانی مقامات شوروی را بدنبال داشت و

۱. علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس. همان. ص، ۱۵۱ به نقل از:

Pravda (3 March 1979).

۲. همان. ص، ۱۵۲.

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۰ فروردین ماه، ۱۳۵۹.

شورویها را وادار به نوعی ملایمت و ملازمت نسبت به مواضع عقیدتی اسلام نمود، به طوری که برژنف در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست شوروی در آوریل ۱۹۸۱ اعلام داشت: «جنبش های رهایی بخش می تواند تحت لوای اسلام انجام گیرد»<sup>۱</sup> در پی این موضع گیری، سیاست نزدیکی به جمهوری اسلامی دنبال گردید. اما اشغال افغانستان توسط روسها و سلطه این کشور بر جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و تجاوز عراق با سلاحهای روسی به ایران، مانع از گسترش روابط حسنه بین دو کشور گردید. پس از روی کار آمدن «گورباچف» در مارس ۱۹۸۵ و دگرگونی در سیاست داخلی و خارجی شوروی و همچنین خروج نیروهای شوروی از افغانستان و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران، زمینه مناسبات بین دو کشور فراهم آمد. بنا به بیانات آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس وقت ایران، «امام خمینی نیز از بهبود روابط با شوروی استقبال نموده و فرموده بودند بروید و روابط دو کشور را حسنه کنید»<sup>۲</sup>.

در نتیجه این گرایش و مسافرت آقای هاشمی رفسنجانی به مسکو، دگرگونی عمده ای در روابط دو کشور حاصل شد؛ لکن با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط ایران با این کشور پهناور به گونه ای دیگر رقم خورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. خلیج فارس و مسائل آن. همایون الهی، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۰. ص، ۳۳۸.  
۲. روزنامه اطلاعات، ۱۰ تیر ماه، ۱۳۶۸.